

نگاهی به مقوله رنگ در قرآن (قسمت دوم)

محمد جواد صداقت کشفی

رنگ‌های زرد، سفید و سیاه

پیش درآمد

موضوع رنگ در قرآن کریم از مباحث شیرین و زیبایی است که می‌تواند نکته‌های بسیاری را به ما بیاموزد. پیشتر از این در باره مفهوم کلی رنگ در قرآن از طریق کاربرد واژه‌های لون و صبغۀ سخن گفته شد و در این مقاله برآنیم تا از مبحث رنگ‌های مختلف به صورت تفکیک شده مطالبی بیان نماییم.

بدین منظور ترتیب طرح رنگ‌ها در قرآن را سرلوحه خود قرار داده و به معرفی آنها می‌پردازیم. این ترتیب چنین می‌باشد: زرد، سفید، سیاه، سبز، قرمز؛ در این میان رنگ آبی به طور مستقل وجود ندارد مگر آنکه به خاطر نمود این رنگ در آسمان، هر آیه‌ای که شامل واژه سماء یا سماوات باشد، ما را به یاد آبی و خواص آن نیز بیاندازد.

اکنون قبل از آنکه آیات شریفه قرآن را بررسی کنیم بر یافته‌ها و تقسیمات علمی رنگ‌ها مروری می‌کنیم تا با آمادگی بیشتری از محضر قرآن بهره‌بریم هر چند شاید آیات قرآن مجید بعضی از این یافته‌ها را تأیید نفرماید.

تقسیمات رنگ‌ها

رنگ‌ها، در تقسیم‌های خود ویژگی‌هایی منحصر به فرد می‌یابند. البته بعضی از این ویژگی‌ها به تک تک هر رنگ مربوط است و بعضی دیگر به یک گروه از رنگ‌ها اختصاص می‌یابند. بعضی از انواع رنگ‌ها را می‌توان چنین تقسیم بندی نمود:

- از مهمترین تقسیم‌های رنگ‌ها تفکیک بین رنگ‌های نورانی و جسمانی است. رنگ‌های نورانی آنهايي هستند که ماهیت‌شان از نور است، و رنگ‌های جسمانی، آنهايي می‌باشند که قابل لمس کردن هستند، مانند رنگ‌های نقاشی که جسمیت‌شان آشکار می‌باشد. وقتی می‌گوئیم جسمانی، بدان معنا نیست که نقش نور را نادیده گرفته ایم. جالب این است که رنگ‌ها چه نورانی باشند و چه جسمانی، به نور، وابسته‌اند. رنگ نورانی، خود، نوری است که چشم، آن را به رنگی خاص می‌بیند؛ و رنگ جسمانی، جسمی است که بازتاب امواج نور از آن توسط چشم به رنگ تعبیر می‌شود.

- رنگ‌ها به اصلی و فرعی نیز تقسیم می‌گردند. رنگ‌های اصلی، آنهايي هستند که خود از ترکیب دو یا چند رنگ به دست نیامده‌اند ولی ترکیب آنها می‌تواند رنگ‌های فرعی را تشکیل دهد. رنگ‌های اصلی نورانی عبارتند از قرمز، سبز، آبی؛ و رنگ‌های جسمانی شامل قرمز، زرد و آبی می‌باشند. ترکیب سه رنگ اصلی نورانی، نور سفید را به وجود می‌آورد، یعنی نور سفیدی مانند خورشید شامل همه نورها است زیرا هر نور رنگی که بخشی از امواج نورانی با طول موجی خاص است، از محدوده رنگ‌های اصلی یا ترکیب آنها خارج نمی‌باشد و نور سفید، در حقیقت در برگیرنده تمام طول موجهای مرئی است.

البته این مطلب که گفته می شود نور سفید، ترکیبی از همه رنگ‌های نورانی است، معنای وابستگی به آنها نمی دهد، بلکه رنگ‌های متفرق نورانی، وجود خود را از نور سفید می گیرند. به عبارتی، در عالم فیزیک، تنها نور، نور سفید است که در اثر نوع دریافت اجسام به رنگ‌های گوناگون، وجود می بخشد. این مسئله شاید در مباحث تفسیری نیز حائز اهمیت باشد. در رنگ‌های نورانی، سیاه وجود ندارد زیرا سیاه به معنای ظلمت است و ظلمت یعنی عدم نور؛ اما ترکیبات رنگ‌های جسمانی متفاوت است. ترکیب سه رنگ اصلی جسمانی به تیرگی می گراید.

بنابراین، نورهای رنگی پس از ترکیب با یکدیگر، سفید و کامل می شوند و رنگ‌های دریند جسم، مایل به سیاه می گردند.

- از دیگر ویژگی رنگ‌ها، گرمی و سردی آنهاست. رنگ‌های سرد، آنهایی می باشند که در انسان، احساس سرما پدید می آورند. این رنگ‌ها عبارتند از آبی و سبز؛ اما رنگ‌های گرم برعکس گروه قبل، گرما را القا می نمایند. این رنگ‌ها شامل قرمز، زرد و نارنجی می باشند. از خاصیت رنگ‌های سرد، حالت عقب نشینی و دور شدن است، و از ویژگی‌های رنگ‌های گرم، خاصیت نزدیک شدن می باشد. مثلاً اگر در اتاقی قرار بگیریم که دیوار آن آبی رنگ باشد، علاوه بر احساس خنکی، چنین به نظر می رسد که اتاق، بزرگتر از حد معمول است زیرا رنگ آبی، عقب رونده می باشد؛ و اگر در فضایی باشیم که رنگ دیوار آن زرد باشد احساس خواهیم کرد که علاوه بر گرمی، فضای ما کوچکتر از مقدار واقعی است زیرا در و یوارها به هم نزدیکتر می شوند. تمامی این ویژگی‌ها اموری نسبی هستند و بیان آنها براساس بروز احساسات مختلف انسان‌ها می باشد. 1

- از خصوصیات دیگر رنگ‌ها، ارزش رنگ است که بر روشنی یا تیرگی هر رنگ دلالت می کند. بعضی از رنگ‌ها در درون خود درخشندگی و روشنی خاصی دارند و بعضی دیگر ذاتاً به سمت تیرگی میل می کنند.

سفید و زرد از رنگ‌های درخشنده هستند که حتی رنگ‌های تیره نیز به وسیله افزودن آنها روشن می شوند. از طرفی، آبی، رنگی تیره به حساب می آید. وقتی از تیرگی یا روشنی رنگ صحبت می کنیم باید رنگ خالص در طبیعت را مد نظر قرار دهیم زیرا اگر قضاوت بر روی رنگ غیر خالص انجام شود از هر رنگی هزاران نوع روشن و تیره وجود خواهد داشت. مثلاً کافی است مقداری سفید به آبی اضافه شود تا آبی روشن به دست آید، و اگر سفید، بیشتر شود روشنایی حاصل نیز بیشتر خواهد بود.

پس باید دید که رنگ خالص شناخته شده در طبیعت، تیره است یا روشن؟ اصولاً رنگ‌های موجود در طبیعت، ریشه‌های گیاهی، جانوری یا وابسته به کانی‌ها دارند. هرگاه رنگ به دست آمده از این مواد، چیز اضافه ای نداشته باشد، به میزان اشباع رنگ، میزان خلوص آن مشخص می شود. در بین رنگ‌های شناخته شده، خالص ترین و درخشنده ترین رنگ، زرد می باشد. 2

- خاصیت دیگر رنگ‌ها، نوع ارتباط آنها با یکدیگر است. بعضی از رنگ‌ها در مواردی با یکدیگر متفاوت هستند و بعضی دیگر با هم ارتباط و هماهنگی دارند. معمولاً رنگ‌های هماهنگ از یک خانواده به حساب می آیند. مثلاً نارنجی، قرمز و زرد هر سه دارای خواصی مشترک از جمله گرمی و جنب و جوش هستند.

از طرفی رنگ نارنجی از ترکیب قرمز و زرد به دست می آید پس می تواند واسطه ارتباط آن دو در کنار هم باشد. بر خلاف این رنگ‌ها، برخی دیگر به لحاظی با هم در تقابلند. رنگ‌های مکمل از این دسته اند. دو رنگ مکمل آنهایی هستند که از ترکیبشان، در نور، رنگ سفید و در جسم، رنگ خاکستری تیره به دست می آید.

از خواص مشهور رنگ‌های مکمل این است که وقتی در کنار هم قرار می گیرند به خوبی نمود می یابند، مثلاً وقتی سبز و قرمز که در رنگ‌های جسمانی با هم مکملند، در یک مکان دیده می شوند، هر دو به صورت کاملاً مشخص جلوه می کنند، این مسئله از زیباییهای طبیعت است که مثلاً رنگ قرمز گل در کنار سبزی برگ، جلوه ای بی نظیر می یابد.

چنین ویژگی در پزشکی نیز کاربرد می یابد. برای مثال از دلایل پوشاندن تمام بدن بیمار تحت عمل جراحی با رنگ سبز این است که هرگاه کوچک‌ترین لکه خونی حتی به اندازه یک مویرگ وجود داشته باشد، به خوبی مشهود می‌گردد. البته جلوه زیاد دو رنگ مکمل در کنار هم شامل سیاه و سفید نیز می شود. گرچه نمی توان این دو رنگ را کاملاً مکمل دانست مگر اینکه بگوئیم در نور، چون سفید با غلبه بر سیاهی، حاکم می شود پس این دو مکملند و در جسم نیز چنین است که با افزون شدن یکی از آنها در هنگام ترکیب، دیگری مغلوب خواهد شد. به هر حال، سیاه و سفید مانند رنگ‌های مکمل در کنار هم جلوه می یابند خواه آنها را مکمل بدانیم و خواه ارتباطی برایشان قائل نشویم.

خصوصیات ریز و درشت انحصاری یا گروهی رنگ‌ها فراوانند اما این مقاله جایگاه بیان آنها نیست. همین اندازه نیز که یاد شد با اندیشه کاربرد در نگرش ویژه نسبت به رنگ موجود در آیات عمومی خداوند می باشد؛ و البته آیات کلام وحی، خود، مقوله جداگانه والایی است که اهل تفسیر باید پیرامون آن نظر دهند. شاید هر کدام از این مفاهیم در دید تفسیری مؤثر باشند چنانکه تقریباً برای تمامی موارد بیان شده تاکنون می توان تعبیرات معنوی ارائه کرد.

رنگ زرد در قرآن مجید

اکنون به سراغ قرآن مجید می رویم اما برای تفکیک بیشتر و خودداری از اطاله سخن در این شماره سه رنگ زرد، سفید و سیاه را مورد بحث قرار می دهیم و در زمانی دیگر رنگ‌های باقی مانده را مطرح می نماییم. همان‌گونه که در مطالب شماره قبل بیان شد رنگ زرد به عنوان اولین رنگ مطرح شده در قرآن می باشد و جالب این است که در علم نیز خواص منحصر به فردی از جمله بیشترین درخشندگی برای آن ذکر شده است. این رنگ با واژه های صفر، صفراء و مصفراً، 5 بار در آیات قرآن کریم معرفی شده است. این آیات عبارتند از:

سوره بقره آیه 69، سوره روم آیه 51، سوره زمر آیه 21، سوره حدید آیه 20 و سوره مرسلات آیه 33

شرح رنگ زرد در آیات

درباره معنای صفر گفته می شود که رنگی است بین سیاهی و سفیدی که البته به سیاه نزدیکتر است به همین دلیل بعضی آن را به سیاه تعبیر کرده اند.³ از جمله در روایتی از الدر المنثور، این معنی بیان شده است؛ گرچه جایی دیگر می گوید ابن عباس معنای چنین زردی را، زرد تندی می داند که به سفیدی متمایل شده باشد.⁴

چنانکه قبلاً بیان شده تیرگی با رنگ زرد خالص سنخیتی ندارد بنابراین تعریف بیان شده در نگاه نخست اندکی عجیب به نظر می رسد. به هر حال دقت در نکات مختلف تفسیری در آیات مربوطه بسیاری از سئوالات را پاسخ می دهد:

1 - سوره بقره آیه 69

«قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال إنه يقول إنها بقرةٌ صفراء فاقعٌ لونها تسر الناظرين.»
«گفتند: از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟ گفت: (خداوند) می گوید: گاوی باشد زرد یکدست، که بینندگان را شاد و مسرور سازد.»

در شأن نزول این آیه شریفه گفته اند که در میان قبائل بنی اسرائیل، درگیری و جنگی صورت می پذیرد. مردم برای رفع مخاصمه نزد حضرت موسی علیه السلام رفتند زیرا خودشان از حل مشکل عاجز بودند. حضرت موسی علیه السلام از طریق معجزه ای این مشکل را حل می کند.⁵

در روایات دیگر ماجرا به این صورت بیان شده است که مردی از بنی اسرائیل فردی را می کشد آنگاه خودش نیز به خونخواهی برمی خیزد. مردم از قاتل واقعی خبر ندارند و نمی توانند او را پیدا کنند بنابراین سراغ حضرت موسی علیه السلام می روند تا از قاتل خبر دهد. حضرت موسی علیه السلام از آنها می خواهد که گاوی را ذبح کنند تا به وسیله آن قاتل پیدا شود. آنها ابتدا به او اعتراض می کنند و سپس در باره مشخصات گاو سئوالاتی می پرسند؛ سخت گیری آنان در باره نوع گاو باعث می شود که دیرتر به نتیجه برسند. از جمله سئوالات مردم در باره رنگ گاو است. حضرت می فرماید: رنگ گاو باید زرد باشد و آن هم نه هر زردی بلکه زرد سیر، باز نه هر زرد سیری بلکه این زرد سیر باید باعث سرور بیننده شود؛ با ادامه ایرادهای بنی اسرائیل، محدوده انتخاب تنگ تر می شود تا اینکه بالاخره گاو مورد نظر را پیدا می کنند و نزد حضرت موسی علیه السلام می آورند. سپس به دستور ایشان گاو را ذبح کرده، دم آن را به جسد می زنند. با این کار، مرده، زنده شده، از قاتل خبر می دهد...⁶

در روایت بالا «فاقع» به معنای سیر ترجمه شد. ممکن است بعضی تصور کنند که سیر بودن رنگ همراه با تیرگی است ولی از ادامه آیه نیز می توان استنباط کرد که زرد مورد نظر، زردی درخشانده و شادی آور است چون رنگهای تیره عموماً شادی آور نیستند. در لسان العرب برای «فاقع» معنای خاص و شدید بیان می شود؛⁷ و چنانکه در ترجمه آیه ملاحظه شد ممکن است صفت «یکدست» نیز برای صفراء به کار رود. در تفاسیر موجود، ذیل این آیه، توضیح زیادی در باره رنگ زرد بیان نمی شود. گویی بحث رنگ کاملاً فرعی است و جایی برای بحث ندارد. تنها یک روایت مشهور که با اندک اختلافی، در کتابهای مختلف تفسیری تکرار می شود، این است که هر کس کفش یا نعلین زرد رنگ بپوشد غمگین نخواهد شد، یعنی

زردی مایه خوشحالی و سرور دانسته شده است. مفسران، روایاتی با این مضمون را در تأیید آن بخش از آیه شریفه محسوب می کنند که فرمود: تسر الناظرین؛ از جمله در نورالثقلین آمده است: «.. عن ابی جعفر علیه السلام قال من لبس نعلا صفراء لم یزل فی سرور مادامت علیه لان الله عزوجل یقول صفراء فاقع لونها تسر الناظرین»⁸ شبیه این روایت در البرهان نیز بیان شده است.⁹ در اینجا یک سؤال مطرح است: وقتی روایتی مربوط به پوشیدن کفش به رنگ زرد، می تواند از نظر بیان یک مسئله روانشناسی در شرح و توضیح آیه شریفه مؤثر باشد، آیا نمی توان ادعا نمود که سایر مسایل بیان شده پیرامون رنگها در حیطه علم نیز در مقوله تفسیر جای تأمل و تفکر دارد؟! کشف الاسرار، ذیل این آیه شریفه با نثری خاص در باره مفاهیم رنگ زرد، درخشندگی و ایجاد سرور آن مطالبی بیان می کند که بخشی از آن را عیناً می آوریم:

«این قصه گاو بنی اسرائیل، و ذکر صفات وی در آیات از لطائف حکمت و جواهر عزت قرآن است و قرآن خود بحر محیط است. ای بسا لؤلؤ شاهوار و در شب افروز که در فعر این بحر است اما کسی باید که هر چه رب العزّه در صفت گاو بنی اسرائیل گفت از روی اشارت در صفات خود ببیند و به آن مقام رسد تا غواصی این بحر را بشاید و آن عجائب الذخائر و درالغیب امر را به خود راه دهد و جمله آن صفات در این سه آیت مبین کرد: یکی «لا فارض و لا بکر» دیگر «صفراء فاقع لونها» سه دیگر «لاذلول تثیر الأرض...» صفت دیگر خوان «صفراء فاقع لونها تسر الناظرین».

آن جوانمردان که در کمال بشریت قدم در میدان طریقت نهادند و بدان مستقیم شدند احدیت ایشان را به رنگ دوستی برآورد و رنگ دوستی، رنگ بیرنگی است. هر چه رنگ رنگ آمیزانست از ایشان پاک فرو شوید - و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ - تا همه روح، پاک شود، نهاد ایشان و معانی همه یک صفت گیرد. هر چشمی که دریشان نگرود روشن شود، هر دلی که در کار ایشان تأمل کند آشنا گردد.

سفیان ثوری بیمار شد و دلیل وی پیش طبیب ترسا بردند. طبیب در آن می نگریست و تأمل می کرد، پس گفت عجب حالی می بینم؛ این مردی است که از ترس خدای عزوجل، جگر وی خون شدست و از مجرای آب بیرون آمده است. این دین که وی برآنست جز حق نیست. اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله طبیب ترسا چون در دلیل وی نگریست آشنا گشت پس کسی که در روی دوستان حق نگرود از اعتقاد پاک و در سیرت ایشان تأمل کند از مهر دل خود چون شود؟ اینست که می گوید: «فاقع لونها تسر الناظرین» رنگی که نگرندگان را شاد کند رنگ آشنایی و دوستی است. امروز ایشان را به رنگ آشنایی و دوستی برآورد و چه رنگ است از این نکوتر؟ یقول تعالی «و من احسن من الله صبغة» و فردا ایشان را بنور خود رنگین کند کما قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم فیصبغون بنور الرحمن عزوجل»¹⁰

2 - سوره روم آیه 51

«و لئن ارسلنا ریحاً فراهو مصفراً لظلّوا من بعده یکفرون».

«و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان) بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند (مأیوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می گیرند.»

در این آیه چند احتمال در باره مصفراً وجود دارد:

- 1 - گیاهان و درختانی که بر اثر وزش بادهای مضر، زرد و پژمرده می شوند.
- 2 - ابرهای زرد رنگ نازکی که حامل باران نیستند.
- 3 - بادهای زرد و تیره ای که گرد و غبار با خود حمل می کنند و آتش زا هستند.
- 4 - بادهای خالی از باران.

همانگونه که دیده می شود یکی از معانی مصفر، خالی است چنانکه طبق گفته راغب، صفر به معنی ظرف خالی از محتوا، شکم خالی از غذا یا رگهای خالی از خون نیز می باشد. هر کدام از این تفاسیر بسته به این است که ضمیر «رأوه» به چه کلمه ای برمی گردد. تفسیر نمونه مورد اول را مشهورتر می داند. 11

3 - سوره زمر آیه 21

«لم تر أن الله أنزل من السماء ماءً فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم يهيج فتراه مصفراً ثم يجعله حطاماً إن في ذلك لذكرى لأولی الاباب.»

«آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را به صورت چشمه هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که رنگهای مختلف دارد بعد آن گیاه، خشک می شود به گونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی سپس آن را در هم می شکنند و خرد می کند؟! در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا).»

در این آیه شریفه هم «الوان» آمده است که از گوناگونی و رنگانگی گیاهان حکایت دارد و هم «مصفراً» که نشان از زردی و خشکی گیاه دارد. در کنار این کلمه فعل یهيج نیز وجود دارد که می تواند مستقیماً با «مصفراً» مرتبط باشد. در پاورقی یکی از صفحات تفسیر نمونه مطلبی بسیار ظریف و قابل تأمل در این خصوص بیان شده است:

«یهيج از ماده هیجان در لغت به دو معنی آمده است. نخست خشک شدن و زرد شدن گیاه و دیگر به معنی به حرکت درآمدن و جوش و خروش برداشتن؛ ممکن است این دو معنا به یک ریشه بازگردد. زیرا به هنگامی که گیاه خشک می شود آماده جدایی و پراکندگی و هیجان می گردد.» 12

وقتی در بخش شرح علمی زرد نکاتی خاص بیان گردد احتمالاً ذهن، متوجه ارتباطی عجیب بین یهيج و مصفراً و در حقیقت بین هیجان و زردی خواهد شد.

5 - سوره مرسلات آیه 33

«كأنه جمالت صُفر»

«گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد رنگی هستند (که به هر سو پراکنده می شوند).»

این آیه در ادامه آیات قبل همین سوره از توصیفات شراره های آتش دوزخ است. در باره این تشبیه گفته های مختلفی وجود دارد. مجمع البیان از قول حسن و قتاده می گوید:

«سیاه تر از شتر نمی بینی مگر آنکه مایل به زردی باشد و برای همین، عرب، شترهای سیاه را صفراء نامیده»

و بالاخره از قول جبایی بیان می دارد: «آن از زردیست برای آنکه آتش زرد رنگ است.» 13

در البرهان نیز گفته شده است که معنای «صفر» در این آیه، سیاهی است. «قوله كأنه جمالت صفر أی سود» 14 پیرامون این آیه شریفه آنچه در عموم اقوال مفسران، مشترک است و یا دست کم مورد انکار قرار

نگرفته، شتاب، سرعت بسیار و جهندگی شعله‌های آتش است 15 که این خصوصیات با رنگ زرد، همخوانی دارد.

شهید پاک نژاد در کتاب خود وجه شبه دیگری را برای آتش و شتر ذکر می کند و آن گرمای آتش و پوست شتر می باشد؛ چنانکه در آیه پنجم سوره مبارکه انعام نیز چنین خاصیتی برای حیوانات ذکر شده است. «والأنعام خلقها لكم فيها دفاء و منافع و منها تأکلون» (نحل/5) او انتخاب رنگ زرد را برای بیان ویژگی موی شتر از معجزات قرآنی می داند زیرا رنگ زرد جزو رنگ‌های گرم است. 16 در بخش تقسیمات رنگ‌ها به این نکته اشاره شد.

وجه شبه دیگری که برای آتش و شتر ذکر کرده اند؛ انتقامجویی آتش دوزخ و از طرفی کینه جو بودن شتر است که شاید اینچنین نیز بین شتر زرد رنگ و آتش زرد پیوندی حاصل شود. 17 رنگ زرد در روایات اسلامی از راه‌های گوناگون بیان شده است که هر کدام، در جای خود دارای اهمیت است از جمله اینکه:

- زرد، رنگ نوری از نورهای بهشت است؛ همچنین رنگ برگها و میوه های درخت طوبی و نیز کاخ ابراهیم علیه السلام و آل او می باشد. در جایی دیگر آمده است که خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود که بیت المقدس را با حریر سپید و زرد بپاراید؛ و باز در حدیثی دیگر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام رنگ آسمان پنجم را طلایی معرفی می کند. 18

- در روایتی دیگر نقل شده است که امام باقر علیه السلام کیسه ای زرد رنگ از جنس دیا داشتند که در آن تربت امام حسین علیه السلام قرار داشت. 19 و باز امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ما در خانه لباس زرد می پوشیم». 20 از طرفی پیچیدن نوزاد در پارچه زرد رنگ نهی شده است. 21

زرد از نظر علم

در بین طول موجهای مرئی، 550 تا 580 نانومتر، متعلق به رنگ زرد است. 22 چنانکه قبلاً بیان شد، زرد روشن ترین رنگ است که به صورت شادمانی ظاهر می شود. از خواص روانشناسانه این رنگ که بر روی جسم نیز تأثیر می گذار موارد متعددی هست که در لابلای مطالب زیر به آنها اشاره می شود:

- چون طلا، رنگی زرد دارد گاهی خاصیت‌های طلا نیز به زرد نسبت داده می شود، چنانکه آب طلا بر روی اجسام، توجه بیننده را به خود جلب می نماید. بنابراین می توان زرد را رنگی جذاب و قابل توجه دانست. رنگ گنبد امامان معصوم‌علیهم السلام یا به کاربردن تعبیری مانند دوران طلایی از همین مسئله ناشی می شود. 23

- درخشانی فراوان، بازتاب زیاد، تسکین خاطر، ایجاد امید، ایجاد زنده دلی، تأثیر فراوان ولی زودگذر از مشخصات رنگ زرد است.

- هر جا میل به رنگ زرد باشد، نشان تلاش برای یافتن راه خروج و فرار از دشواری‌ها وجود دارد.

- زرد، رنگی گرم، ایده آل، محرک فکر، آرام کننده حالات عصبی می باشد.

- این رنگ با اندام حسی سیستم‌های عصبی سمپاتیک و پاراسمپاتیک ارتباط دارد.

- رنگ زرد با شکل هندسی مثلث که اضلاع آن در تقابل و ستیز با یکدیگرند دارای تناسب می باشد.

- زرد، گریزاننده پشه و بسیاری از حشرات است.
- زرد، به دلیل ارتباط خود با خورشید نمادی از معرفت و دانایی است که باعث کشف مجهولات می شود.
- زرد، رنگی بدون عمق و برونگرا می باشد.
- زرد، به عنوان رنگ جدایی و فراق نیز شناخته شده است.
- رنگ زرد را با شیوع بیماری یرقان نسبت می دهند.
- در چین، رنگ زرد، به عنوان درخشانترین رنگها مخصوص لباس امپراطور بود و کسی حق پوشیدن آن را نداشت.
- رنگ زرد، از نظر ارتباط با عواطف، با تعجب، متناسب است.
- رنگ زرد، با جنب و جوش و حرکت متناسب است.
- زرد، افزایش دهنده فشار خون، تنفس و ضربان است.
- اثر مهم زرد، پاک ساختن خون از ناخالصی هاست.
- رنگ زرد، نشان روشنی و نور است.
- زرد، بر روی قرمز بنفش، به شدت خودنمایی می کند. 24

پس از بیان این خواص علمی سئوالات دیگری مطرح می شود که پاسخ آنها به عهده مفسران است:

- 1 - آیا می توان بین خواصی چون ازدیاد ضربان قلب، تنفس فشار خون و همچنین تحریک اعصاب بدن، احساس رفع مجهولات، تعجب، زودگذر بودن تأثیرات امید بخشی، نور و روشنایی، درخشش بر روی رنگ سیاه و قرمز، معرفت و دانایی و بعضی موارد دیگر با رنگ زرد گاو بنی اسرائیل و آن ماجرای مشهور ارتباطی قائل شد؟!
- 2 - آیا بین «فالق» در آیه 69 سوره مبارکه بقره و خاصیت زرد به عنوان روشنترین و خالصترین رنگ تناسبی وجود دارد؟!
- 3 - آیا بین ایجاد سرور و نشاط توسط زرد که مورد تأیید دانشمندان غیر مسلمان و محقق معاصر است با فرمایش قرآن کریم که «تسر الناظرین» را بیان می کند تناسبی وجود ندارد؟!
- 4 - آیا جنب و جوش درونی و ذاتی رنگ زرد با کلمه «یهیج» که در آیه 21 سوره مبارکه زمر همراه مصفراً بیان شده است ارتباطی دارد؟!

رنگهای سفید و سیاه

رنگهای مورد بحث دیگر سفید و سیاه می باشند. چنانکه قبلاً بیان شد رنگ سفید در 12 آیه قرآن کریم آمده است. کلمات قرآنی مربوط به این رنگ، ابیضت، تبيض، ابيض، بیضاء، و بیض می باشند. اولین کلمه مربوط به این رنگ، ابيض است که در سوره مبارکه بقره قرار دارد. و اما رنگ سیاه 7 بار و در 6 آیه قرآن کریم وجود دارد. در این بین 3 مرتبه به صورت مشترک با رنگ سفید و 3 مرتبه به گونه مستقل، مورد

استفاده قرار گرفته است. واژه سیاه در قرآن، شامل کلمات أسود، سودت، مسوداً، مسوده و سود می باشد. ترتیب قرار گیری سفید و سیاه در آیات قرآن چنین است:

بقره آیه 187، آل عمران آیه 106، آل عمران آیه 107، اعراف آیه 108، یوسف آیه 84، نحل آیه 58، طه آیه 22، شعراء آیه 33، نمل آیه 12، قصص آیه 32، فاطر آیه 27، صافات آیه 46، صافات آیه 49، زمر آیه 60، زخرف آیه 17

شرح رنگ‌های سفید و سیاه در آیات

تفسیر برخی از آیات مذکور به شرح زیر می باشد:

1 - سوره بقره آیه 187

«... وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الأسود من الفجر ثم اتموا الصیام الی اللیل...»
«و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید.»

سفیدی و سیاهی، روشنی و تاریکی صبحگاهان است. در آیه شریفه اولین اشعه های ارسالی از طرف خورشید به رنگ سفید معرفی شده 25 و سیاهی نیز عدم وجود این تشعشعات است. وقتی اولین سپیده صبح ظاهر می شود مثل این است که پرده شب شکافته شده، از این رو کلمه فجر به کار می رود که در اصل به معنای شکافتن است.

درباره رشته سپید و سیاه در صبح، چنین نیز گفته می شود که در پایان شب، ابتدا سپیدی کم رنگی به صورت عمودی در آسمان پدیدار می گردد. این سپیدی را که به دم روباه تشبیه کرده اند صبح کاذب است. پس از آن یک سپیدی شفاف به طور افقی و در امتداد افق ظاهر می شود که مانند رشته نخ سپیدی در کنار رشته شب سیاه قرار دارد. این وضعیت، صبح صادق و زمان آغاز روزه و نماز صبح است. در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شخصی بنام عدی بن حاتم با استفاده از ظاهر آیه، ریسمان سیاه و سپیدی را به دست گرفت تا هنگام مشخص شدن آنها از یکدیگر، زمان نماز و روزه را تشخیص دهد. این کار او باعث خنده پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شد. 26

2 - سوره آل عمران آیات 106 و 107

«یوم تبيض وجوه و تسود وجوه فاما الذین اسودت وجوههم اُکفرتهم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کتمت تکفرون و أما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمۃ اللہ هم فیها خالدون.»

«آن عذاب عظیم (روزی خواهد بود که چهره هایی سفید، و چهره هایی سیاه می گردند اما آنهایی که صورت‌هایشان سیاه شده به آنها گفته می شود: آیا بعد از ایمان) و اخوت و برادری در سایه آن (کافر شدید!) پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده در رحمت خداوند خواهند بود، و جاودانه در آن می مانند.»

سخن از قیامت و جدایی مردمان است که با رنگ چهره‌هایشان از هم متمایز می شوند. چهره های سفید، چهره هایی نورانی و چهره های سیاه، چهره هایی تاریک و ظلمانی خواهند بود. در قیامت، روسفیدی و

روسیاهی دنیا که شکلی مجازی دارد، به صورت حقیقی ظاهر می شود. این نور و ظلمت و سفیدی و سیاهی بازتاب اعمال دنیاست که در قیامت تجلی می یابد. 27.

3 - سوره اعراف آیه 108

«و نزعُ يده فاذا هي بيضاء للناظرين».

«و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید) و درخشان (برای بینندگان بود.»

در باره این معجزه حضرت موسی علیه السلام آیاتی دیگر از قرآن کریم نیز توضیحاتی داده است. 28. سپیدی دست حضرت موسی علیه السلام آنچنان بود که معجزه محسوب می شد و قطعاً معجزه به عنوان امری خارق العاده بسیار چشمگیر است.

در قرآن کریم مستقیماً از درخشش دست صحبتی به میان نمی آید ولی در باره سپیدی به صورت خاص توضیح داده می شود. با این حال روایاتی به نورانی بودن دست نیز اشاره می کنند. طبق این روایات، سپیدی دست حضرت موسی علیه السلام همراه با نورافکنی و خیره کنندگی چشمها بود چنانکه نورالثقلین، به نقل از جوامع الجامع، حدیثی از معصوم علیهم السلام را چنین بیان می کند:

«فأخرج يده من مدرعته بيضاء لها شعاع كشعاع الشمس يغشى البصر» 29

در بین دو معجزه مشهور حضرت موسی یعنی ازدها شدن عصا و دست نورانی، یکی مظهر بیم و مناسب انذار و دیگری مظهر امید و مناسب برای بشارت و نشانه ای از رحمت می باشد. 30.

4 - سوره یوسف آیه 84

«و تولّى عنهم و قال يا أسفى على يوسف و ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم».

«و از آنها روی برگرداند و گفت: وا اسفا! بر یوسف! و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می برد، (و هرگز کفران نمی کرد.»)

منظور از سفید شدن چشم، سفید شدن سیاهی چشم است و وقتی سیاهی، سفید شود، چشم نمی بیند، پس در اینجا سفیدی با نابینایی مساوی است. 31.

5 - سوره نحل آیه 58

«و اذا بشر أحدهم بالانثى ظلّ وجهه مُسوداً و هو کظیم»

«در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و مملو از خشم می گردد.»

سیاه شدن روی، در این آیه، کنایه ای است از خشمگین شدن؛ 32 چنانکه وقتی فردی خشمگین می شود و رگهای او متورم می گردد چهره اش حالت کبودی و تیرگی پیدا می کند ولی نکته ای که قابل تأمل است اینکه در آیه شریفه از سیاهی چهره یاد می کند و خشم را همراه با این تیرگی توصیف می نماید. خشمی که از روی جهالت و اندیشه های غلط است.

6 - سوره صافات آیه 46

«بیضاء لذّة للشاربین»

«شرابی سفید و درخشنده و لذت بخش برای نوشندگان»

یکی از نعمت‌های بهشتی، نوشیدنی‌های گواراست که در وصف آن سفیدی نیز به کار رفته است. نوشیدنی بهشتیان، شرابی پاک، خالی از رنگ‌های شیطانی، سفید و شفاف است؛ البته بعضی از مفسران، بیضاء را رنگ ظرف این نوشیدنی دانسته‌اند گر چه با توجه به «لذۀ للشاربین» به نظر می‌رسد که سپیدی، وصف شراب بهشتی است. 33

7 - سوره صافات آیه 49

«کانهنّ بیض مکنون»

«گویی (از لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسان هرگز آنان را لمس نکرده است).»

آیه شریفه، توصیف همسران بهشتی است که چهره‌ای سپید دارند.

«بیض جمع بیضه به معنی تخم مرغ است و مکنون، از ماده کن به معنی پوشیده و مستور است.» 34
بعضی مفسران تشبیه به کار رفته را به پوسته تخم مرغ تازه جدا شده که هنوز دست هیچ انسانی به آن نرسیده است نسبت می‌دهند و برخی دیگر این تشبیه را به سفیده درون تخم مرغ پس از پخته شدن مربوط می‌دانند زیرا آن سفیده علاوه بر رنگ خود؛ لطافت و نرمی خاصی نیز دارد. 35 به هر حال در این آیه، چهره همسران بهشتی با رنگ سپید توصیف می‌شود.

بعضی از روایات نیز رنگ سفید را در موردی بسیار مثبت و نیکو به کار می‌برند از جمله چهره پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، آب چشمه زندگی، اعمال صالح، دستار و جامه فرشتگان، جامه امام زمان علیه السلام، دروازه شکر در بهشت، دین اسلام، علم و دانش الهی، زینت‌های بهشتی و لباس‌های پیامبران، همه به رنگ سفید بیان شده‌اند. 36

رنگ سپید، رنگ لباس احرام است، و رنگی که برای مقربان حریم امن الهی انتخاب می‌شود، قطعاً حکمت‌های بسیاری دارد. شاید بتوان بعضی از ویژگی‌های این رنگ را در لباس احرام، وجود رنگ در عین بیرنگی، یکدستی، صفا، پاکی و بالاخره شباهت به آنچه در بعثت روز قیامت اتفاق می‌افتد به شمار آورد.

در روایات پیرامون لباس سفید نیز دستوراتی داده شده است که بعضی از آنها چنین می‌باشند:

- «جامه‌های سپید بپوشید که آن از بهترین جامه‌های شماس است. مردگان خود را نیز در پارچه سفید کفن کنید.» 37 در جایی دیگر آمده است که «امام صادق فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شب کلاه می‌پوشید که سفید راه راه بود به سر می‌نهاد.» 38

پوشیدن رنگ سیاه نیز در روایات مورد بررسی قرار گرفته است که بعضی از آنها را بیان می‌نمائیم:

- «نبی اکرم فرمودند: رنگ سیاه در جامه بد است مگر در سه چیز: عمامه، موزه، و ردا.

- آن حضرت عبا سیاه رنگی داشت که به کسی بخشید. ام سلمه گفته: پدر و مادرم فدایت! آن عبا سیاه چه شد؟ فرمود: آن را (به برهنه‌ای) پوشاندم. ام سلمه گفت: هرگز چیزی زیباتر از سفیدی شما بر سیاهی آن عبا ندیدم.

- روایت است که آن حضرت، عمامه سیاهی داشت که به سر می‌بست و با آن نماز می‌خواند.

- امام صادق علیه السلام فرمود: پوشیدن کفش سیاه و نعلین زرد از سنت است.

- رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در روز فتح مکه با عمامه سیاهی که بر سر بسته بود وارد مکه معظمه شد. «39»

سفید و سیاه از نظر علم

هرگاه امواج باز تابیده به چشم، حاوی طول موج تمام رنگ‌های اصلی با درصدی مشخص باشد، چشمان ما رنگ یا نور سفید را خواهد دید، و برعکس زمانی که از جسمی بازتابی به چشم نرسد، آن جسم به رنگ سیاه دیده خواهد شد. در اینجا ابتدا مواردی در باره سفید و سپس خواصی از سیاه بیان خواهد شد:

- سفید، رنگی ملیح و براق است که به دلیل روشن بودن، مایه خوشحالی نیز می باشد.

- سفید، مانند صفحه خالی است که باید داستانی روی آن نوشت، و سیاه، نقطه پایان است.

- سفید، به معنی بله است.

- سفید، باکتریها را فراری می‌دهد. این مسئله در یک بیماری وبا در شمال آفریقا که ارتباط آنجا را با سایر کشورها قطع کرد، تجربه شد. در آن زمان پزشکان اعلام کردند که فقط باکتهای سفید دریافتی از جاهای دیگر را می پذیرند.

- سفید، از آلرژی و مسمومیت جلوگیری می کند.

- سفید، به دلیل آشکار کردن هر آلودگی باعث می شود که انسان، بهداشت را رعایت کند.

- سفید، نماد پاکی، بی گناهی، صلح، سادگی، بیرنگی، نور، عقل و تدبیر، بریدن از تعلقات، خوش خلقی و سرزنده بودن است.

- رنگ سفید اگر در کنار رنگ طلایی قرار گیرد نشان اشرافیت است.

- در میان حشرات، زنبورها نسبت به رنگ سفید علاقه ای ندارند.

- سفید، به دلیل ارزش بالا، برای گرانها جلوه دادن محصولات آرایشی و عطرها در بسته بندی مورد استفاده قرار می گیرد. ضمناً محصولات بهداشتی و لوازم خانگی نیز به خاطر القای مفهوم پاکی موجود در آن از این مسئله برخوردارند.

- به دلیل بازتاب شدید نور توسط سفید، این رنگ برای مخزن های بزرگ بنزین استفاده می شود. با رنگ

سفید، تبخیر بنزین حدود یک سوم، کمتر از زمانی است که رنگ‌های دیگر استفاده شوند.

- بازتاب زیاد نور به وسیله رنگ سفید و همچنین بهداشتی بودن آن، این رنگ را برای لباس مناسب می سازد.

- ویژگی خاص رنگ سفید که عمق را بیشتر نشان می دهد باعث استفاده از آن در معماری است که به این وسیله سقفها بلندتر به نظر می آیند.

- سیاه، رنگی افسرده کننده و غلط انداز است.

- سیاه، ایجاد ابهت می کند. ابومسلم خراسانی که علیه امویان قیام کرد؛ هر روز به سپاهیان دستور پوشیدن لباس و پرچمی می داد، تا اینکه روزی همه لشکر سیاه پوشیدند. در این حال او ابهت سربازانش را بیشتر دید و همان رنگ را برای آنان انتخاب کرد تا به دل دشمن بیم افکند.

- سیاه، در مقابل سفید به معنی نه گفتن می باشد.
- سیاه، گاهی ایجاد تهوع می کند.
- سیاه، می تواند رنگی اشرافی، دارای اقتدار و بزرگی نیز باشد مخصوصاً وقتی با طلایی همراه می شود.
- سیاه، رنگی وزین و مورد پسند سیاستمداران است.
- سیاه، دارای سرّ و راز است. 40

هر چند سیاه در مقابل سفید، منفی جلوه می کند ولی این قضیه عمومیت ندارد. وقتی به شب می اندیشیم آنچه به ذهن می آید، سیاهی است و این سیاهی، گاهی بسیار زیباست. دل شب مأمّن زمزمه مردان خداست. تا سیاهی نباشد سفیدی ارزش خود را چگونه نمود بخشد؟

نکته‌ای که در باره تضاد بین سیاه و سفید وجود دارد، مسئله کنتراست رنگ‌هاست. همانطور که دو رنگ مکمل مانند قرمز و سبز در کنار هم جلوه می یابند سفید و سیاه نیز در کنار هم خودنمایی می کنند. یک خال سیاه در چهره ای سفید، مایه شعر شاعران می شود، و یا پرده سیاه کعبه در بین سپیدی احرام حاجیان، هر کسی را مسحور خود می کند و ابهت و اقتدار و رمز و رازی عجیب را به نمایش می گذارد؛ نه آنکه رنگ پرده باید سیاه باشد، ولی حالا که هست، بسیار نیکوست مخصوصاً نوشته‌های طلایی روی آن و همچنین ناودان طلا، جلوه ای خاص دارد زیرا در دنیای رنگ‌ها، زرد روی سیاه، برجسته ترین رنگ محسوب می شود. از طرفی سیاهی، خاصیت پوشندگی دارد همچنانکه سیاهی شب همه چیز را می پوشاند؛ از این خاصیت سیاه می توان فهمید که چرا لباس بلند که سراسر بدن را در بر می گیرد، در احادیث، مکروه دانسته نشده است. شاید همین مسئله است که چادر را برای زن به برترین حجاب تبدیل می نماید. با تمام این توصیفات، رنگ سیاه نیز در جای خود عزتی می یابد، به شرط آنکه یار سفیدی و پاکی باشد.

- 1 - ر.ک. جوهانز، ایتن، کتاب رنگ، /124-126
- 2 - ر.ک. همان، /165-162 و /56 و نیز ادموند بورک، فلدمن، تنوع و تجارب تجسمی، ترجمه، شرح و نگارش پرویز مرزبان، چاپ اول، انتشارات سروش، /58_1378.
- 3 - ر.ک. راغب، مفردات، /487
- 4 - ر.ک. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المثور، /178
- 5 - ر.ک. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، /302
- 6 - ر.ک. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، /310
- 7 - ر.ک. ابن منظور، لسان العرب، /8/255
- 8 - الحویزی، نورالثقلین، /1/89

- 9 - ر.ک. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، 1/245 و نیز حرّ عاملی، وسایل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، 1409 ه.ق. 5/70-68
- 10 - میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار، 1/230-229
- 11 - ر.ک. تفسیر نمونه، 16/474
- 12 - همان، 19/423
- 13 - طبرسی، محمد فضل بن الحسن، مجمع البیان، 26/210
- 14 - تفسیر البرهان، 5/417
- 15 - ر.ک. تفسیر نمونه، 25/419
- 16 - ر.ک. پاک‌نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، 18/40
- 17 - ر.ک. ابوطالبی، الهه، بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌ها، 75/
- 18 - همان.
- 19 - ر.ک. وسایل الشیعه، 5/366
- 20 - طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ترجمه حسین استاد ولی، چاپ چهارم، انتشارات پیام آزادی، 1382_ /75
- 21 - ر.ک. وسایل الشیعه، 21/410
- 22 - ر.ک. جوهانز، ایتن، کتاب رنگ، 59/
- 23 - ر.ک. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، 212/
- 24 - ر.ک. رضا، پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، 5/190 و نیز ماکس، لوشر، روانشناسی رنگ‌ها، 19-20 و 90-97 و نیز ژرارد، اد، رنگ‌ها برای سلامتی شما، 49/ و نیز جوهانز، ایتن، کتاب رنگ، 210-212/
- 25 - ر.ک. پاک‌نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، 18/144
- 26 - ر.ک. تفسیر نمونه، 1/654-653
- 27 - ر.ک. همان، 3/45 و نیز 9/518-517
- 28 - طه: 22 و القصص: 32 و الشعراء: 33
- 29 - تفسیر نورالثقلین، 3/375
- 30 - ر.ک. تفسیر نمونه، 5/216
- 31 - ر.ک. المیزان، 11/318
- 32 - ر.ک. همان، 12/400
- 33 - ر.ک. تفسیر نمونه، 19/54
- 34 - همان، 19/57-56
- 35 - ر.ک. همان
- 36 - ر.ک. ابوطالبی، الهه، بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌ها، 46-47

- 37 - محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ چهارم، دارالحدیث، قم، 1383_11/5284.
- 38 - طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ترجمه حسین استاد ولی، ملحقات
- 39 - همان، 75-70/
- 40 - ر.ک. رضا، پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، 185-191/5 و 151 - 18/152 و نیز ماکس، لوشر، روانشناسی رنگ‌ها، 97/ و نیز الهه، ابوطالبی، بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌ها، 28/ و 24/ - 54 و 188/ - 189 و نیز جواد، محدثی، هنر در قلمرو مکتب، 21/